

بررسی عوامل جامعه شناختی مؤثر بر میزان مزاحمت‌های خیابانی مورد مطالعه شهر کرمانشاه

محسن صفاریان^۱، گلمراد مرادی^{۲*}، مریم نریمانی^۳

چکیده

هدف این مطالعه بررسی عوامل جامعه شناختی مؤثر بر میزان مزاحمت‌های خیابانی در شهر کرمانشاه است که با روش توصیفی از نوع پیمایشی انجام و داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری و با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. جامعه آماری مورد مطالعه دختران و زنان ۱۵ تا ۴۹ سال شهر کرمانشاه که در زمان پژوهش به استناد آمار سال ۱۳۹۰ تعداد کل آنها ۲۰۳۲۵ نفر می‌باشند. از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده به عمل آمد. نتایج ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین بی‌نظمی اجتماعی، محرومیت نسبی، میزان دینداری و میزان تأثیرگذاری دوستان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین نتایج مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی اجتماعی، وضعیت تأهل و همراه داشتن در رفتن به خیابان بر میزان مزاحمت‌های خیابانی تأثیر معناداری دارد. نتایج رگرسیون چند متغیره نیز نشان می‌دهد که چهار متغیر میزان محرومیت نسبی ($Beta=0/364$)، تأثیرگذاری دوستان ($Beta=0/272$)، میزان دینداری ($Beta=-0/199$) و متغیر بی‌نظمی اجتماعی ($Beta=0/168$) به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشتند، وارد معادله شده و توانستند روی هم رفته ۵۷ درصد از تغییرات درونی متغیر وابسته را تبیین نمایند.

واژه‌های کلیدی: مزاحمت خیابانی، زنان، محرومیت نسبی، دوستان، بی‌نظمی.

^۱ - مربی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

^۲ - گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام آبادغرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آبادغرب، ایران

^۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

مقدمه

مزاحمت خیابانی یکی از اشکال ممنوع تبعیض جنسی علیه زنان است که عرصه عمومی را به محیطی ناامن و نامطلوب برای فعالیت اجتماعی آنان تبدیل می‌کند. سکوت زنان در برابر این مزاحمت‌ها یکی از دلایل شیوع آن در جامعه قلمداد می‌شود، از این‌رو مطالعه تجربه زنان از مزاحمت‌های خیابانی و واکنش آنان در برابر این مزاحمت‌ها ضروری به نظر می‌رسد. مزاحمت خیابانی که در ادبیات به مزاحمت جنسی در عرصه عمومی و مزاحمت غریبه‌ها نیز مشهور است، یکی از اشکال ممنوع تبعیض جنسی علیه زنان بشمار می‌رود (Bowman, 1993). براساس تعریف گاردنر (Gardner, 1995) مزاحمت‌های خیابانی، رفتارهای کلامی و غیرکلامی دارای ماهیت جنسی (مانند توهین کردن، کنایه زدن، فریاد کشیدن، نوازش کردن، خیره شدن و ...) را شامل می‌شوند که معمولاً توسط مردهای غریبه در مکان‌های عمومی یا نیمه‌عمومی نسبت به زنان اعمال می‌شوند و نمی‌توان آنها را براساس سن، قومیت یا طبقه‌ی اجتماعی پیش‌بینی کرد. متلک پرانی، ولگردی، تنه زنی و اعمال غیراخلاقی در مجامع عمومی و نظایر آن به طور لفظی و غیرلفظی از مظاهر مزاحمت‌های خیابانی است. در واقع هر نوع فعالیتی که در فضای عمومی از سوی فردی در برخورد با فرد دیگر صورت بگیرد، به گونه‌ای که باعث آزار و اذیت آن فرد شود مزاحمت خیابانی نامیده می‌شود. براساس تحقیقاتی که توسط یک مرکز تحقیقاتی خصوصی صورت گرفته، هر زن یا دختری در جوامع شهری در ایران به میزان مسافتی که طی می‌کند یا مدت زمان حضورش در سطح خیابان‌ها بینیک تا ۲۰ بار به لحاظ مزاحمت‌های کلامی و فیزیکی از سوی برخی مردان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند (News Agency World News, 2007). هم‌چنین بر اساس یک نظرسنجی از زنان ۱۸ تا ۵۰ ساله تهرانی که انجام گرفته است، بیشترین مزاحمت‌ها از نظر زنان عبارتند از: بوق زدن اتومبیل‌ها و اصرار به سوار شدن، ۸۵ درصد، تنه زدن عمدی به زنان، ۸۳ درصد، انتشار تصاویر خصوصی افراد، ۸۰ درصد، متلک گفتن، ۷۶ درصد، پراندن الفاظ رکیک، ۷۵ درصد، ویراژ دادن و حرکات نمایشی موتورسواران، ۷۲ درصد، تعقیب زنان توسط مردان در اماکن خلوت، ۷۲ درصد (News Agency World News, 2007).

در بسیاری از ادبیات نظری مناسبات واقعی قدرت در جامعه در قالب مناسبات زبانی بازتولید می‌شوند. یا در جهت عکس می‌شود گفت مناسبات زبانی حاکی از مناسبات واقعی یا تصویری قدرت‌اند. بنابراین در جوامع پدرسالار یا مردسالار که رابطه بین دو جنس اصلی، یعنی زن و مرد، حکایت‌گر نابرابری‌های جدی است، این نابرابری در مناسبات قدرت، در قالب زبان هم بازتاب می‌یابد. به بیان دیگر زبان ارتباط بین زن و مرد هم مشحون از مناسبات نابرابر قدرت بین آن دو در جامعه خواهد بود. یکی از بارزترین شکل‌های این رابطه نابرابر را می‌توان در پرزه‌گویی مشاهده کرد، چرا که "مزاحمت خیابانی" یک رفتار کلامی اجباری و تحمیلی از جانب کسانی است که در

مناسبات اجتماعی قدرت در موقعیت فرادست قرار دارند. بنابراین از این امکان اجتماعی برخوردارند که قدرت واقعی خود را در مناسبات اجتماعی، از خلال این رابطه زبانی تحمیلی آشکار کنند. به همین دلیل است که مزاحمت خیابانی را اغلب مردان نثار زنان می‌کنند، مگر در مواردی که زنان به تصادف در موقعیت موقتی برتر قرار گیرند. مزاحمان خیابانی به دلایل مختلف از جمله تحقیر دیگران، نشان دادن خود، بی‌اهمیت جلوه دادن جنس مخالف، جلب توجه دیگران، نمایش جرات و جسارت و مهم‌تر از همه به خاطر احساس حقارت درونی و بیرونی که به طور ناخودآگاه در خود مشاهده می‌کنند، دست به این رفتار می‌زنند.

در جوامع مختلف میزان‌های متفاوتی از ننگ بدنامی و مقصر دانستن و سرزنش نسبت به زنانی که مورد تهدید و تجاوز قرار می‌گیرند، نیز بر خود مسأله ترس از تجاوز افزوده شده و آن را دو چندان می‌کند. گروه‌های اجتماعی مختلفی از زنان در نقاط مختلف دنیا هستند که در چنین موقعیتی زن مورد تهدید را مقصرتر از مرد تهدید کننده می‌دانند.

کرل (Kearl, 2011)، در مقاله خود، مزاحمت‌های خیابانی برای زنان را یکی از مهم‌ترین معضلات زنان در سراسر جهان می‌داند. مزاحمت‌هایی نظیر سوت زدن، متلک پرانی، دست‌درازی و حتی رفتارهای گستاخانه‌تری که زنان در مکان‌های عمومی همواره در معرض مواجهه با آن هستند. به گفته کرل، بیش از ۸۰ درصد از زنان مصاحبه شده در کشورهای کانادا و مصر و ۱۰۰ درصد از زنانی که در ایالات متحده مورد پرسش واقع شده‌اند، گفته‌اند که در خیابان مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. در کشور یمن این رقم بیش از ۹۰ درصد اعلام شده، حتی زنان متواضع و محجبه نیز از مزاحمت‌های خیابانی در امان نبوده‌اند. با این حال درو (Drew, 2004)، در فصل ایرانی «دایرةالمعارف مربوط به مسائل جنسی» می‌نویسد: مزاحمت جنسی در ایران چندان شایع نیست چرا که «الگوی کلی تفکیک جنسیتی فرصت مزاحمت جنسی را کاهش می‌دهد»، اما لهسای‌زاده و یوسفی‌نژاد (Lahsaeizadeh & Yosefinejad, 2011)، بحث می‌کنند که این تحلیل از وضعیت ایران نمی‌تواند صحیح باشد. اگرچه دو جنس از زمان نوجوانی تفکیک می‌شوند اما این تفکیک در اماکن عمومی وجود ندارد. ایران به عنوان یک کشور اسلامی از هنجارها و قواعد سنتی سختی برخوردار است که افراد جامعه به ویژه زنان باید از آنها تبعیت کنند. از سوی دیگر در سال‌های اخیر بسیاری از عناصر مدرنیته از طرق مختلف بویژه رسانه‌ها وارد ایران شده‌اند و سبک زندگی اجتماعی را تغییر داده‌اند و نوعی دوگانگی و عدم تعادل در جامعه به وجود آورده‌اند. از این رو بسیاری از زنان که قواعد سنتی مربوط به نوع پوشش، زمان، میزان حضور و شیوه رفتار در اماکن عمومی را رعایت نمی‌کنند مورد مزاحمت قرار می‌گیرند و از سوی جامعه نیز مقصر و مستحق این نوع آزارها قلمداد می‌شوند.

تاکنون مطالعات محدودی در خصوص مزاحمت‌های خیابانی در ایران صورت گرفته است. نتایج

مطالعه‌ای (Iman et al., 2012)، به انجام رساند حاکی از آن بود که مزاحمت توسط اتومبیل‌های شخصی (۹۲ درصد)، مزاحمت کلامی (۹۰ درصد)، مزاحمت لمسی (۷۵ درصد) و مزاحمت لمسی در وسایل نقلیه (۶۳ درصد) به ترتیب دارای بیش‌ترین فراوانی بودند. یافته‌های دیگر این مطالعه نشان داد احساس و واکنش زنان نسبت به مزاحمت‌ها، ارتباط مستقیمی به موقعیت مزاحمت و شرایط قربانی دارد. تنها بودن قربانی در موقعیت مزاحمت، انزجار و ترس وی را در پی دارد و داشتن همراه در موقعیت مزاحمت از میزان هراس وی می‌کاهد. واکنش آنان به مزاحمت نیز با توجه به میزان جدی و پرخطر بودن مزاحمت و تصور نسبت به پیامدهای واکنش هم‌چون قضاوت دیگران در خصوص «مقصر بودن قربانی» تعیین می‌شود. هم‌چنین زنان سنین بالای ۴۰ سال نسبت به دختران جوان به علت عدم انتظار مواجهه با مزاحمت و جسارت بیش‌تر، واکنش شدیدتری از خود نشان می‌دهند. آنچه از این بررسی به دست آمده نشان می‌دهد تحمل مزاحمت، رایج‌ترین نوع واکنش زنان نسبت به آن می‌باشد، واکنشی که بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌گویان با وجود ناامیدی از تأثیر هر واکنشی از آن رضایت نداشتند و مایل بودند واکنش جدی‌تری از خود نشان دهند (Iman et al., 2012).

نتایج مصاحبه‌های کیفی نشان می‌دهند که مزاحمت‌های خیابانی در رأس هرم مسائلی هستند که امنیت اجتماعی دختران و زنان جوان را سلب می‌کنند. اغلب آنها عنوان می‌کردند در هنگام تردد در خیابان و بازار (بویژه خیابان‌های منتهی به میدان اقبال، سیروس، فردوسی، شاهپور و نیز بازار سرپوشیده و سنتی داخل گذر) و حتی کوچه و محله پسران و مردان جوان با نگاه‌های معنی‌دار و شهوت‌آمیز احساس امنیت را از وجود آدم می‌گیرند و بدتر از این؛ خیلی از آنها به ترتیب و اخلاق اجتماعی پایبند نیستند و به خود اجازه می‌دهند به حریم شخصی دیگران تجاوز کنند و با متلک‌های رکیک و زننده و لمس اعضای بدن زنان و دختران آرامش روانی آنها را به هم بزنند (Ahmadi & Kaldi, 2013).

مزاحمت خیابانی یکی از اشکال ممنوع تبعیض جنسی شامل رفتارهای کلامی و غیر کلامی مثل سوت زدن، چشمک زدن، چشم چرانی کردن، چنگ زدن، نیشگون گرفتن، هو کردن و متلک گفتن است که به ندرت مورد توجه محققان علوم اجتماعی قرار گرفته است (Lahsaiezadeh & Yosefinejad, 2011).

قربانی شدن و آزار زنان توسط مردان یکی از تبعات نابرابری بین زن و مرد است که عوارض ناشی از آن مشکلات فراوانی را برای جامعه ایجاد می‌کند. یکی از انواع آزار و اذیت‌هایی که زنان در جوامع مختلف به اشکال متفاوت با آن مواجه هستند «مزاحمت خیابانی»^۱ است. این نوع مزاحمت

^۱. Street Harassment

که به «مزاحمت غریبه‌ها»^۱، «مزاحمت در عرصه‌ی عمومی»^۲ و «مزاحمت جنسی»^۳ معروف است، عموماً از دید دانشگاهیان، قضات و قانون‌گذاران به عنوان مسئله‌ای که نیاز به پژوهش و پوشش قانونی دارد دور مانده است. این در حالی است که مزاحمت‌های جنسی در تمام محیط‌های بویژه مکان‌های عمومی زنان را آزار می‌دهد و از حضور فعال، همه‌جانبه و آزادانه‌ی آنها در عرصه‌ی عمومی که باعث رشد شخصیت و ایجاد اعتماد به نفس برای انسان است جلوگیری می‌کند (Lahsaeizadeh & Yosefinejad, 2011).

بومن (۱۹۹۳) در تعریف مزاحمت خیابانی می‌نویسد: رفتارهای زیادی هستند که در حیطه‌ی مزاحمت خیابانی قرار می‌گیرند. مزاحمت جنسی غریبه‌ها شامل رفتارهای کلامی و غیرکلامی مثل سوت زدن، چشمک زدن، چشم‌چرانی کردن، نیشگون گرفتن، لمس کردن بدن، هو کردن و اظهارات خیابانی می‌شوند. اظهارات خیابانی معمولاً ماهیت جنسی دارند و اظهارنظرهایی هستند درباره‌ی ظاهر فیزیکی زن و یا حضورش در اماکن عمومی (Lahsaeizadeh & Yosefinejad, 2011).

مزاحمت جنسی ممکن است در کشورهایی که رویکرد نقش جنسیتی سنتی‌تری دارند بیش‌تر باشد (Sigaland Jacobsen, 1999). جامعه‌ی ایرانی نیز به عنوان جامعه‌ای که سنت و ایدئولوژی‌های جنسیتی ریشه‌های عمیقی در آن دارند از این قاعده مستثنی نیست.

تحقیق و واکاوی مسئله‌ی مزاحمت خیابانی از دو جهت حائز اهمیت است.

اول به این دلیل که مزاحمت خیابانی بنا به نتایج مطالعات بسیاری از محققان (Fairchild, 1999; MacMillan, 2000; Lenton, 2007). بسیار شایع‌تر از مزاحمت جنسی در محیط کار و دانشگاه است. دوم اینکه اثرات منفی مزاحمت خیابانی در سطح فردی و اجتماعی بسیار گسترده‌تر از مزاحمت جنسی در محیط کار و دانشگاه است.

هدف کلی این پژوهش بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان مزاحمت‌های خیابانی در شهر کرمانشاه است.

اهداف ویژه پژوهش عبارتند از:

مشخص کردن میزان و نوع مزاحمت‌های خیابانی در شهر کرمانشاه.

تعیین رابطه بین عوامل جمعیت‌شناسی (سن، وضعیت تأهل، محل تولد) و مزاحمت‌های خیابانی در شهر کرمانشاه.

تعیین رابطه بین عوامل اجتماعی (میزان حضور در خیابان، همراه داشتن در خیابان، بی‌نظمی

1. Stranger Harassment

2. Public Harassment

3. Sexual Harassment

اجتماعی، تأثیردوستان و گرایش‌های دینی) و مزاحمت‌های خیابانی در شهر کرمانشاه. تعیین رابطه بین عوامل اقتصادی (میزان محرومیت نسبی و پایگاه اقتصادی افراد) و مزاحمت‌های خیابانی در شهر کرمانشاه.

بررسی ادبیات نظری نشان می‌دهد که در راستای این تحقیق مطالعاتی صورت گرفته است. از جمله این مطالعات، پژوهش ایمان و همکاران (Iman, et al. 2012) در مطالعه ای تحت عنوان زنان، مزاحمت و واکنش: بررسی تجربه دختران دانشجو درباره مزاحمت‌های خیابانی و واکنش به آن است. براساس نتایج مصاحبه‌های کیفی، یک طبقه‌بندی از انواع مزاحمت‌های خیابانی در عرصه عمومی در قالب ۴ مؤلفه مزاحمت‌های بصری، کلامی، تعقیبی و لمسی به دست آمد. مزاحمت‌های بصری بیشترین شیوع را دارند و پس از آن به ترتیب مزاحمت‌ها، یافته‌های بخش کمی حاکی از این است که بیش‌تر پاسخ‌گویان (حدود ۷۰ درصد) به مزاحمت‌ها پاسخ منفعلانه می‌دهند.

در مطالعه‌ای که سحابی و همکاران (Sahabi et al. 2010)، در شهر سنندج انجام دادند زنان، مزاحمت خیابانی را مهم‌ترین عامل تهدید خود می‌پنداشتند. متلک، حرف‌های رکیک و رفتارهای غیرعادی از جمله مزاحمت‌هایی است که زنان شهر سنندج تجربه کردند. تجربه مزاحمت‌های خیابانی به خصوص برای افرادی با خاستگاه روستایی و دارای تجربه احساس امنیت در روستا، بسیار سخت و دشوار بود به گونه‌ای که محدودیت‌های جدی در تحرک آنان در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ایجاد می‌کرد.

یوماواکی (Yamawaki, 2007)، الگوهای برقراری رابطه جنسی در میان زنان و مردان را به سه نوع رابطه مبتنی بر تفاهم، مبتنی بر قدرت مرد و رابطه سنتی تقسیم کرده و چنین نتیجه می‌گیرد که هرچه رابطه خصمانه‌تر و بیش‌تر مبتنی بر قدرت مرد باشد، طرفین درگیر رابطه بیش‌تر قائل به مقصر دانستن زنی می‌شوند که مرود تجاوز واقع شده و در عوض از خطای مرد متجاوز چشم‌پوشی می‌کنند. برعکس میزان مقصر دانستن مردان متجاوز در بین زنان و مردانی که خود روابط جنسی مبتنی بر تفاهم را تجربه کرده‌اند، افزایش می‌یابد.

لهسایی‌زاده و یوسفی (Lahsaeizadeh & Yosefinejad, 2011)، مطالعه ای با عنوان رابطه‌ی بین پذیرش هنجارهای جنسیتی و تجربه‌ی مزاحمت‌های خیابانی: مطالعه‌ی موردی دانشجویان دختر دانشگاه شیراز انجام دادند. نتایج حاصل از تحلیل مسیر و رگرسیون گام به گام حاکی از این است که نوع پوشش، نوع آرایش به عنوان ۲ شاخص پذیرش هنجارهای جنسیتی بیش‌ترین تأثیر را بر میزان تجربه مزاحمت خیابانی دارند.

ذکائی (Zokaei, 2006)، پژوهشی کیفی با عنوان «مزاحمت‌های جنسی برای زنان در محیط‌های مختلف» برای سازمان ملی جوانان انجام داده است. این تحقیق حاصل مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با ۱۴ دختر و زن ساکن تهران است که همه تجربه‌هایی از مزاحمت جنسی داشته‌اند و

براساس سن، آگاهی جنسیتی و ... متفاوت بوده‌اند. براساس این مصاحبه مزاحمت جنسی در مکان‌های شلوغ از جمله در وسایل نقلیه‌ی عمومی بیش‌تر است که شامل مزاحمت‌های لمسی یا متلک می‌شود که عکس‌العمل زنان از سکوت گرفته تا قرار دادن کیف و کلاسور به عنوان حائل و یا تذکر دادن را شامل می‌شود و در صورت عدم رعایت مردان به فحش و ناسزا می‌انجامد.

فرچایلد و رودمن (Fairchild & Rudman, 2008)، در مقاله‌ای با عنوان «مزاحمت هر روزه افراد غریبه و ابزار انگاری زنان» اذعان می‌دارند که مزاحمت جنسی افراد غریبه پدیده‌ای است که زنان جوان به دفعات آن را در زندگی روزمره‌ی خود تجربه می‌کنند و اثرات نامطلوبی بر سلامت آنها دارد. نخست آنکه مزاحمت جنسی رابطه‌ی مثبت با خود ابزارانگاری زنان دارد. دوم تجربه‌ی مزاحمت جنسی و خود ابزارانگاری رابطه‌ی مثبت با ترس از تجاوز به عنف دارد. علاوه بر این زنانی که از تجاوز به عنف وحشت دارند به احتمال بیش‌تر آمد و شد خود را محدود می‌کنند.

پاریش (Parish, 2006)، در مقاله‌ی «مزاحمت جنسی زنان در محیط‌های شهری چین» با استفاده از داده‌های پیمایشی زندگی خانوادگی و سلامت چینی‌ها به تجزیه و تحلیل شیوع و خطرات مزاحمت جنسی در چین در سال ۲۰۰۰ پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که ۱۲/۵ درصد از تمام زنان و ۱۵/۱ درصد از زنان شهری چین نوعی از مزاحمت جنسی را در یک سال قبل از انجام این پژوهش تجربه کرده‌اند. این مقاله با استفاده از رویکرد «فعالیت روزمره»^۱ که از جرم-شناسی وام گرفته است بر پیش آمدن فرصت، سود پیش‌بینی شده برای فرد مزاحم و کاهش هزینه‌های مزاحمت برای تبیین این پدیده تأکید می‌کند.

لنتون (Linton, 1999)، در تحقیقی خود با عنوان «مزاحمت جنسی در مکان‌های عمومی: تجربه‌ی زنان آمریکایی»، در پیمایشی که از ۱۹۹۰ زن کانادایی ترتیب داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که احتمال مزاحمت جنسی در خیابان‌ها بیش از مکان‌های نیمه عمومی مثل مغازه‌ها، رستوران‌ها، تئاترها و غیره است، چون در خیابان‌ها رهایی از کنترل اجتماعی رسمی بیش‌تر است و این مسئله با نظریه‌ی کنترل اجتماعی همسویی دارد.

اباذری و همکارانش (Abazari et al, 2009)، بیان کرده‌اند که زنان به دلیل داشتن بدن زنانه که می‌تواند با خطراتی همچون تجاوز و اعمال خشونت مواجه شود، تجربه‌ای ویژه از احساس ناامنی در فضای اجتماعی پیدا می‌کنند. بدین منظور، با ۴۰ زن ساکن در شهر تهران مصاحبه و از آنها خواسته شد تا به چگونگی مدیریت بدن خودشان در رویارویی با خطرات شهری و نیز احساس ناامنی در فضاهای شهری بپردازند. نتایج نشان می‌دهد موضوعات اصلی بدن زنانه و احساس ناامنی، هراس از ورود به حوزه‌ی عمومی، حرکت در حوزه‌های تکراری، هراس از شب و تاریکی، پشت سر

1. Routine Activities

گذاشتن مرزهای سنتی و بدون ایمن فاحشه استخراج گردید. کلانتری و همکاران (Kalantari et al, 2010)، در مطالعه‌ای با عنوان تحلیل فضایی و پهنه بندی جرایم شهری زنجان با استفاده از سامانه‌ی اطلاعات جغرافیایی GIS (مورد مطالعه: بزه ایجاد مزاحمت خیابانی)، مزاحمت‌های خیابانی را از جمله معضلات مهم جامعه شهری در مقطع کنونی می‌داند که بیش از همه زندگی و سلامت شهروندان را در معرض خطر قرار داده است و دستگاه قضایی و انتظامی را به چالش کشیده است. یافته‌های پژوهش از پهنه بندی خوشه ای و شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز ایجاد مزاحمت خیابانی در خیابان‌های سعدی، امیر کبیر، پاپانه هفت تیر و بویژه در بخش مرکزی حکایت دارد.

احمدی و کلدی (Ahmadi & Kaldi, 2012)، در بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان در شهر سنندج و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، به روابط معنادار بین امنیت محل سکونت و حمایت اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی زنان توجه کردند و متغیرهای پایبندی مذهبی، پوشش مناسب، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و رسانه‌های ارتباط فرهنگی، رابطه ای با احساس امنیت اجتماعی نشان ندادند. کامران و عبادتی (Kamran & Ebadati, 2009)، در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر احساس آرامش و امنیت اجتماعی نشان دادند که پایگاه اقتصادی- اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی در رابطه است و هرچه طبقه اقتصادی- اجتماعی بالاتر باشد احساس امنیت بیش تر است و برعکس، متغیر حمایت اجتماعی در بررسی آنها تأثیر مستقیمی بر احساس امنیت اجتماعی زنان از خود نشان داده است.

چارچوب نظری پژوهش

اندیشمندان علوم اجتماعی براین باورند که به هم ریختگی و توقعات، نیازها و دریافت پاسخ آنها از جمله علل بروز و تشدید پدیده مزاحمت‌های خیابانی هستند. بالا رفتن سن ازدواج، متلاشی شدن خانواده‌ها، عدم تعهدپذیری زن و مرد در محیط خانواده و مشکلاتی از این قبیل منجر به بروز عقده‌های جنسی در افراد می‌شود. که گاهی مردان از طریق آزار رسانی جنسی خیابانی سعی دارند، به نوعی نیاز خود را برطرف کنند.

علاوه بر این مشکل دیگری که مزاحمت خیابانی را تشدید می‌کند رابطه زن و مرد در زندگی زناشویی است. به هر حال بخش قابل ملاحظه ای از مزاحمت‌های خیابانی توسط مردان متاهل صورت می‌پذیرد. وقتی مردی از لحاظ جنسی و روانی تأمین نشود سعی می‌کند از طریق مزاحمت- های خیابانی جبران کند. البته در این زمینه زنان نیز بی‌تقصیر نیستند و مزاحمان خیابانی اکثراً مزاحم زنانی می‌شوند که پوشش و رفتارشان مغایر با عرف است (Moeidfard, 2008).

دیدگاه نظری چلبی و مزاحمت‌های خیابانی: براساس نظریه نظم اجتماعی^۱ چلبی^۲ (Chalabi, 1996)، در صورتی که به هر دلیل روابط گرم در عرض جامعه به سردی گراید و احساس تعلق افراد به جمع سست شود، به همان نسبت نیز اعتماد اجتماعی و نظم هنجاری و تعهدات جمعی و عمومی تضعیف می‌شوند. در بعد حمایت اجتماعی، کاهش چگالی و فراوانی روابط حمایتی بین گروهی را می‌توان نوعی اختلال رابطه‌ها تلقی نمود. منظور از روابط حمایتی اجتماعی، روابط و مبادلات نامتقارن گرم در شئونات گوناگون زندگی اجتماعی است. اختلال رابطه‌ای، افراد را در مقابل شدید اجتماعی آسیب‌پذیر می‌سازد. عدم امکان ارتباط منطقی و مشروع در سطوح جامعه منجر به احساس عجز می‌شود که این امر زمینه مناسبی برای احساس ناامنی و ترس فراهم می‌سازد (Ahmadi & Kaldi, 2012). براساس این نظریه می‌توان استنباط کرد که بی‌نظمی اجتماعی می‌تواند زمینه رفتارهای ناهنجاری مانند مزاحمت‌های خیابانی را در جامعه فراهم نماید.

دیدگاه نظری گیدنز و مزاحمت‌های خیابانی: گیدنز (Giddens, 2006)، بدن را در ارتباط با دو مفهوم «هویت» و «خود» قرار می‌دهد. نیاز امنیت وجودی و حس امنیت هستی‌شناختی، آن چیزی است که در نهایت، به شکل‌گیری یک هویت شخصی در ارتباط با محیط پیرامون منجر می‌گردد و در این راستا، بدن به عنوان ابزار استفاده می‌شود. به باور وی، «خود» در درون بدن جای دارد و آگاهی نسبت به خویش بیش‌تر ناشی از تغییراتی است که در بدن احساس می‌شود. بدن در نگاه وی تنها یک جسم مادی صرف نیست بلکه وسیله‌ای عملی برای کنار آمدن با اوضاع و احوال و رویدادهای بیرونی است.

در دیدگاه گیدنز، کنترل منظم بدن یکی از ابزارهای اساسی است که شخص به وسیله آن روایت معینی از هویت شخصی را محفوظ می‌دارد و با این حال، «خود» نیز از ورای همین روایت در معرض تماشای دیگران قرار می‌گیرد. این، هم ناشی از نیاز به ارزیابی مثبت دیگران است و هم ناشی از احساس جامعیت بدنی یعنی این احساس که خود به طور صحیح در بدن جای گرفته است. به نظر گیدنز زنان که در جامعه ماقبل مدرن از مشارکت کامل در عرصه فعالیت‌های اجتماعی محروم بودند، گشودگی دوران مدرنیته اخیر را به طرزی کامل‌تر ولی تناقض‌آمیز تجربه می‌کنند. در جوامع جدید، زنان از سویی فرصت آزمون شانس خود را در طیف وسیع‌تری از امکانات دارند و از سوی دیگر در فرهنگ مردگرایی، بسیاری از این راه‌ها به روی زنان بسته می‌ماند. فعالیت‌های افراطی زنان برای کنترل بدن نوعی اعتراض و پاسخ فعالانه است به کثرت ظاهری امکانات و نوعی احساس کمال و قدرت‌یابی به زنان می‌دهد و داعیه اثبات بازاندیشانه هویت شخصی و عرصه‌پیکری مطلوب را دارد. از سوی دیگر مصرف‌گرایی بویژه در میان زنان که کم‌تر در عرصه عمومی و تولید

¹. Theories of Social Order

². Chalabi

عمومی و تولید برای بازار حضور دارند، طرح کلی «خود» و انتخاب سبک زندگی را تحت تأثیر قرار می‌شود. نیاز فرد به استقلال شخصی، هویت معینی و کمال طلبی مبدل می‌شود به نیازمندی بی-پایان به داشتن و مصرف کردن کالاهایی که بازار عرضه می‌شوند. با این همه، کلاپرستی بدون ابزار مخالف و مقاومت به پیش نمی‌رود (Giddens, 1994).

براساس دیدگاه نظری گیدنز، می‌توان استنباط کرد که زنان در جامعه سنتی تحت انقیاد مردان بوده اما در جامعه جدید زنان از این انقیاد درآمده و بدن انسان به صورت کانونی برای کسب قدرت و بازاندیشی و مورد انضباط‌های بیرونی و درونی تبدیل شده است. بنابراین میزان حضور زنان در جامعه نوعی واکنش به انتقاد و سلطه مردانه بوده است که از طرفی این بستر منجر به پدید آمدن وضعیت سوء استفاده و بهره‌کشی جسمی و جنسی از زنان در قالب مزاحمت‌های خیابانی است.

نظریه‌ی کلیشه‌ها: از میان نظریه‌پردازان کلیشه‌ای می‌توان برگس و بورگیدا (Burgess & Borgida, 1999) را نام برد (Fairchild, 2007). مشهورترین تعریف کلیشه عبارت است از: باورهای مشترک در مورد صفات گروهی از افراد و معمولا ویژگی‌های شخصیتی یک گروه از مردم، اما اغلب شامل رفتارها نیز می‌شود (Garosi, 2006). روانشناسان کلیشه‌ها را دو دسته توصیفی^۱ (انتظاراتی که از اعضای یک گروه وجود دارد) و تجویزی^۲ (باورهایی درباره‌ی اینکه اعضای یک گروه چگونه باید باشند) تقسیم کرده‌اند. ایدئولوژی‌های جنسیتی^۳ باورهای کلی‌تر تجویزی‌ای هستند که کلیشه‌های جنسیتی^۴ و هم‌همچنین عقاید وسیع‌تری را درباره‌ی نقش‌های صحیح مردان و زنان در جامعه در بر می‌گیرند. (Crosby, 2007)

براساس تبیین‌های این نظریه مزاحمت جنسی در عرصه‌ی عمومی زمانی رخ می‌دهد که زنان از مرزهای تعیین شده توسط کلیشه‌های جنسیتی پا را فراتر بگذارند و خارج از نقش‌های تعیین شده توسط کلیشه‌های توصیفی رفتار کنند، و از حوزه‌ی خصوصی که قلمرو توصیفی آنها است خارج شده و وارد عرصه‌ی عمومی که مردان آن را قلمرو بلامنازع خود می‌شمارند، شوند در این صورت مردان براساس کلیشه‌های تجویزی که در ذهن دارند دست به ایجاد مزاحمت جنسی برای زنان می‌زنند تا «باید و نیابدهای» فراموش شده توسط زنان را به آنها یادآوری کنند و آنان را به حوزه‌ی خصوصی و خانگی بازگردانند و به این طریق مزاحمت جنسی تفوق مردان و انفعال زنان را تقویت و تثبیت می‌کند.

دیدگاه زیمل و مزاحمت‌های خیابانی: به باور زیمل (Simmel, 1990) عمیق‌ترین مشکل زندگی مدرن از این امر ناشی می‌شود که فرد می‌خواهد خود مختاری‌اش را در برابر نیروهای اجتماعی،

1. Descriptive

2. Prescriptive

3. Gender ideologies

4. Gender stereotypes

سخت و شدید حفظ نماید. این مسایل و مشکلات به خصوص در شهرهای بزرگ دیده می‌شود. بنابراین، الگوهای مصرف مدرن تا حدودی می‌تواند نتیجه زندگی در شهرهای بزرگ یا دیگر شهرها باشند. درست به همین دلیل است که در این گونه شهرها افراد جدیدی به ظهور می‌رسند که همیشه نگران هستند. شخص در یک شهر بزرگ ترجیح می‌دهد به گونه‌ای حساب شده مصرف نماید تا بوسیله آن دارای یک «حس هویتی» گردد که آرزوی رسیدن به آن را دارد. به عنوان مثال، انواع دکوراسیون منزل و یا لباسی که یک شخص بویژه مورد استفاده قرار می‌دهد. مجموعه‌ای علایم می‌باشند که جدای از دیگران بوده و فرد می‌خواهد از راه آنها توسط دیگران شناخته شده و تعریف شود. زیمل (Simmel, 1990) در تحلیل خود از مد، عنوان می‌کند که دو نیروی متضاد، تغییر در مد را پیش می‌برند. گروه‌های فرعی یا تابعی سعی می‌کنند با نمادهای پایگاهی گروه‌های بالاتر منطبق شوند؛ به گونه‌ای که به قله نردبان تحرک اجتماعی برسند. براین اساس سبک‌های مسلط از طبقات بالاتر سرچشمه می‌گیرند (Adamian et al, 2013).

دیدگاه نظری بوردیو و مزاحمت‌های خیابانی: پیوریدیو (Bourdieu, 2002) نیز بر این باور است که هر انسانی دارای یک عادت‌واره^۱ می‌باشد. منظور از عادت‌واره نوعی آمادگی عملی، آموختگی ضمنی، فراست و تربیت یافتگی اجتماعی از نوع ذوق و سلیقه است که به عامل اجتماعی این امکان را می‌دهد که روح قواعد، آداب، جهت‌ها، روندها، ارزش‌ها و دیگر امور حوزه خاص خود را دریابد، درون آن پذیرفته شود، جا بیفتد و منشأ اثر شود (Bourdieu, 2002). اگر فضای اجتماعی^۲ را متشکل از سطوح یا نقاط بدانیم، هر سطح یا نقطه از این فضا دارای سطحی از عادت‌واره‌ها (یا سلیقه‌ها) است که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به وجود می‌آیند (Adamian et al, 2013). از نظر وی در فضای اجتماعی دو اصل تمایزگذار مهم وجود دارند که محورهای اصلی نظام تمایز را شکل می‌دهند: این دو محور عبارت‌اند از سرمایه فرهنگی^۳ و سرمایه اقتصادی^۴. سرمایه اقتصادی یعنی آن ثروت‌های مادی که کنشگران و گروه‌های اجتماعی در مالکیت خود دارند. سرمایه فرهنگی نیز آن دانشی را در بر می‌گیرد که از راه آموزش و تربیت ناشی از پایگاه اجتماعی انباشته می‌شود. وی میان ذائقه و ساختار اجتماعی ارتباط برقرار می‌سازد. ساختارها به آن نوع روابط اجتماعی اطلاق می‌شوند که میان عاملان اجتماعی با قدرت‌های نابرابر به وجود می‌آیند و هدف آنها تداوم و باتولید حاکمیت و استیلا در درون میدان‌هاست. ذائقه نیز به انتخاب‌های فرهنگی یا به بیان دیگر، به برداشت‌ها و ارزیابی‌های زیباشناختی اطلاق می‌شود که بازتاب ساختارهای حاکمیت در منش-

¹ Habitus

² Social Space

³ Cultural Capital

⁴ Economic Capital

هاست. از نظر بوردیو، شیوه زندگی^۱ بیش از هر چیز در ذائقه‌بازنمایی شده و باعث تمایز میان عاملان اجتماعی و به دنبال آن مرزبندی‌ها و تمایزها در جامعه می‌شود. بوردیو ذائقه انسان را امری ذاتی و طبیعی نمی‌داند بلکه بر این باور است که این ذائقه در نظام مبتنی بر تمایز سلسله مراتب فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گیرد. نوغ ذائقه نشان دهنده طبقه‌ی افراد است؛ مثلاً میان خورد و خوراک، پوشاک، خانه‌ی مسکونی و اتومبیل ما نوعی تناسب برقرار بوده و همگی این‌ها به عنوان نشانه‌های زندگی ما، معرف تصاویر ذهنی خاص گروه یا طبقه‌ای است که به آن تعلق داریم (Chauvire, 2007).

با توجه به مطالب پیشین، سبک پوشش یک نوع «کنش» است که این کنش همانند سایر کنش‌ها تحت تأثیر قواعد خاصی است و براساس تئوری‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی انجام یک کنش تحت تأثیر عوامل متفاوتی است. توجه به این قواعد و اعمال اجتماعی می‌تواند تا حدی نگاه به پوشش و لباس را در گروه‌های گوناگون و خرده فرهنگ‌های گوناگون جامعه نشان می‌دهد (Adamian et al, 2013). با توجه به توده‌ای شدن مصرف در دوره معاصر، آرای بیان شده از سوی صاحب نظرانی چون بوردیو و وبلن^۲ از کفایت نظری بیش‌تری در تحلیل پدیده پوشش در جامعه برخوردار است زیرا در نظرات یاد شده، ضمن تأکید بر مفاهیمی همچون تشخیص، تمایز^۳ و مصرف، فهم کنش را در یک پارادیم فرهنگی مورد توجه قرار می‌دهند. مفهوم سلیقه از بوردیو و مصرف‌تظاہری^۴ از وبلن (صرف هزینه و مصرف بیش‌تر در امر پوشاک جهت نشان دادن تعلق به طبقات بالاتر) اخذ شد.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین سن افراد و نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۲- نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی افراد برحسب وضعیت تأهل تفاوت معناداری دارد.
- ۳- نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی افراد برحسب محل تولد تفاوت معناداری دارد.
- ۴- همراه داشتن درخیابان برای زنان برنگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی تأثیر معناداری دارد.
- ۵- بین میزان بی‌نظمی اجتماعی و نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۶- بین تأثیر دوستان و نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۷- بین گرایش‌های دینی و نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۸- بین محرومیت نسبی و نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی رابطه وجود دارد.
- ۹- نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی افراد برحسب پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد تفاوت

1. Vay of life

2. Veblen

3. Distinction

4. Conspicuous Consumption.

معناداری دارد.

ابزار و روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه برحسب هدف، کاربردی است. از آن جا که اصول بنیادی مربوط به گزینش نمونه، استنباط ها و تعمیم‌ها از یافته‌ها و نتایج در مورد جمعیتی که نمونه از آن انتخاب شده است، در این پژوهش رعایت می شود و پژوهشگر در آن بر نتایج متمرکز می شود، لذا روش پژوهش در این مطالعه از نوع کاربردی است. از نظر روش، در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی از نوع پیمایشی استفاده می شود. دلیل انتخاب این روش این است که در روش توصیفی، پژوهشگر به توصیف منظم و نظام دار وضعیت فعلی و آن چه هست، می پردازد و از طرفی هم ارتباط بین متغیرها را بررسی می نماید، لذا پیمایشی است.

جامعه آماری مورد مطالعه کلیه دختران و زنان ۱۵ تا ۴۹ سال شهر کرمانشاه می باشد که در زمان پژوهش (سال ۱۳۹۴) و به استناد آمار سال ۱۳۹۰ تعداد کل آنها برابر ۲۰۳۲۵ نفر می باشد. در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده به عمل آمد. با توجه به این که جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش همگن می باشد، از طرفی از الگویی ترکیبی سازمان سلسله مراتبی در چهارچوب تقسیمات کشوری تبعیت می کند، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای یا گروهی کاربرد بیش‌تری دارد.

در انتخاب حجم نمونه از جدول لین^۱ استفاده به عمل آمد. جدول لین قادر است نمونه‌ها را با دقت بیش‌تری نسبت به فرمول کوکران و جدول مورگان و یا سایر روش‌های انتخاب نمونه، با سطوح خطاها و سطوح اطمینان متفاوت گزینش نماید. نمونه‌های مختلف در این روش نمونه‌گیری در جدول شماره ۱ مشخص است. جهت انتخاب نمونه در این پژوهش سطح خطای ۰/۰۵ و اطمینان ۹۵ درصد در نظر گرفته شد و تعداد نمونه برابر ۳۸۱ نفر به دست آمد. جهت اطمینان از تکمیل این تعداد از پرسشنامه‌ها و همچنین بالا رفتن پایایی و روایی ابزار پژوهش ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد و این تعداد در میان پاسخگویان توزیع گردید.

در این پژوهش، واحد تحلیل مورد مطالعه، زنان ۱۵ تا ۴۹ سال شهر کرمانشاه است. در این پژوهش جمع آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه توأم با مصاحبه انجام گرفت. جهت سنجش مفاهیم و متغیرها به شرح زیر اقدام گردید:

میزان و نوع مزاحمت: در یک تعریف، به هر نوع فعالیتی که در فضای عمومی از سوی فردی در برخورد با فرد دیگر صورت بگیرد، به گونه‌ای که باعث آزار و اذیت آن فرد شود، مزاحمت خیابانی گفته شده است. تعریف من از مزاحمت، رفتار یا گفتاری است که روحا (و گاه جسماً) باعث آزار

^۱. Lin

جنس زن می‌شود و او را از ادامه این مزاحمت و یا عواقب احتمالی آن به وحشت می‌اندازد، یا باعث ایجاد تنش و اضطراب می‌شود. این رفتار یا گفتار می‌تواند شامل هر کلام توهین‌آمیز و منافی عفت و پیشنهادهای خلاف اخلاق باشد.

مزاحمت خیابانی: مزاحمت‌های خیابانی به هر نوع عمل و لفظی که به نوعی آرامش و احساس امنیت عابران را از بین ببرد و نوعی احساس نگرانی و ناراحتی برای فرد عابر ایجاد کند، اطلاق می‌گردد؛ مزاحمت‌هایی که براساس قوانین و مقررات مصوب قانون مجازات اسلامی، از جمله رفتارهایی هستند که جزء مفاسد اجتماعی تلقی شده و مشمول مجازات می‌شوند. مستفاد از ماده‌ی ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان شود، یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت، به آنان توهین نماید، به حبس از ۲ تا ۶ ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

برای سنجش میزان مزاحمت خیابانی از ۱۳ گویه در طیف لیکرت، شامل گویه‌هایی مربوط به مزاحمت بصری (۵ گویه)، مزاحمت کلامی (۳ گویه)، مزاحمت تعقیبی (۲ گویه) و مزاحمت لمسی (۳ گویه) استفاده شده است.

میزان جهت گیری‌های مذهبی: عبارت است از اعتقاد به قوایل اهوئی و ماوراءطبیعه و رعایت یک سلسله قواعد اخلاقی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت تقریب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح می‌باشد (Ketabbi et al, 2005). در این پژوهش جهت گیری‌های مذهبی در دو بعد جهت گیری درون دینی و برون دینی بر اساس مقیاس آلپورت و راس (Allport & ross, 1976)، سنجش می‌شوند. آلپورت و راس به ابداع دو مقیاس جهت گیری دینی (جهت گیری درون دینی و برون دینی) در سال ۱۹۷۶ اقدام نمودند، که بعدها بسیاری از اندیشمندان علوم رفتاری از این مقیاس جهت سنجش باورهای دینی استفاده نمودند. این متغیر توسط ۱۱ گویه بر اساس طیف پنج درجه ای لیکرت سنجیده می‌شود. بعد اول جهت-گیری درون دینی: در جهت گیری داخلی، مذهب به عنوان انگیزه غالبی در زندگی اجتماعی به کار می‌رود. به تعبیر آلپورت جهت گیری درون گرایانه، کل زندگی را غرق در انگیزش و معنا می‌کند و الهام بخش عبادت بوده است. بعد دوم جهت گیری برون دینی: در جهت گیری دینی برون گرایانه از مذهب برای اهداف غیرمذهبی استفاده می‌شود (مانند حمایت اجتماعی و احساس امنیت). این بعد با پنج گویه در قالب طیف لیکرت سنجش گردید. هر کدام از این ابعاد با پنج گویه در قالب طیف لیکرت سنجش گردید.

میزان تاثیرپذیری از همسالان: منظور از گروه همسالان تعداد محدودی از افراد همسن و سال هستند که رابطه دوستانه‌ای بایکدیگر دارند و در فعالیت‌های مشترکی با هم همکاری دارند. اعضای گروه همسالان دارای خصوصیات مشترک همسن و سال بودن، یکسان بودن تجارب، همکلاسی

بودن و طبقه اجتماعی مشابه هستند (Samani & Folad Chang, 2007). این متغیر شامل ۳ گویه می‌باشد و در قالب طیف لیکرت سنجیده می‌شود. این متغیر با استفاده از ۷ گویه در قالب طیف ۵ درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرد.

محرومیت نسبی: محرومیت نسبی به عنوان تصور وجود تفاوت بین انتظارات ارزشی انسانها و توانایی‌های ارزشی آنها تعریف می‌شود (Guarr, 2000). در این تحقیق محرومیت نسبی بین پاسخگویان را در شاخص‌هایی چون امکانات رفاهی (غذا، مسکن، خدمات بهداشتی و آسایش مادی)، قدرت (تمایل به مشارکت در تصمیم‌گیری جمعی، رای دادن، شرکت در رقابت سیاسی و عضویت در گروه‌های سیاسی) و ارزش‌های بین‌اشخاصی (رضایت روانی، احترام و عاطفه) سنجیده شده است. این متغیر با استفاده از ۷ گویه در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرد.

بی‌نظمی اجتماعی^۱: این واژه به معنی فقدان هرگونه ساختار منظم است و در محاورات روزمره به مفهوم سازمان نیافته و ناکاراست و جنبه منفی ای در بردارد. به عبارت دیگر بی‌نظمی وجود جنبه‌های غیرقابل پیش‌بینی و اتفاقی در پدیده‌های پویاست که ویژگی خاص خود را داراست. بی‌نظمی نوعی نظم غائی دربی‌نظمی است. هیلز^۲ (۱۹۹۰) بی‌نظمی را اینگونه تعریف می‌کند: بی‌نظمی و آشوب نوعی بی‌نظمی منظم یا نظم دربی‌نظمی است. بی‌نظمی از این رو، که نتایج آن غیرقابل پیش‌بینی است و منظم بدان جهت که از نوعی قطعیت برخوردار است. همچنین آدامز^۳ آشفتگی را این‌گونه تعریف می‌کند: بی‌نظمی از آشفتگی زندگی زائیده می‌شود در حالی که از نظم عادت به وجود می‌آید (الوانی و دانایی فرد، ۱۳۸۴). این متغیر با استفاده از ۱۲ گویه در قالب طیف ۵ درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار می‌گیرد.

در این تحقیق از روش ارزیابی اعتبار صوری پژوهش و برای تعیین پایایی گویه‌های هر متغیر از آلفای کرونباخ استفاده شد.

1. Orderly Disorder

2. Hills

3. Adams

جدول شماره ۱ میزان آلفای کرونباخ قبل و پس از اصلاح ابزار پژوهش

میزان آلفای کرونباخ در پیش آزمون				متغیرها
آلفای اصلاح شده		آلفای اصلاح نشده		
تعداد گویه	آلفا کرونباخ	تعداد گویه	آلفا کرونباخ	
۱۴	۰/۷۵	۱۷	۰/۶۸	میزان مزاحمت خیابانی
۱۲	۰/۹۰۶	۱۲	۰/۹۰۶	بی نظمی اجتماعی
۳	۰/۸۷	۵	۰/۶۵	تأثیر دوستان
۱۱	۰/۸۷	۱۱	۰/۸۷	گرایش‌های دینی
۷	۰/۹۱	۷	۰/۹۱	میزان محرومیت نسبی

یافته‌ها

داده‌های به دست آمده از این مطالعه با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. آزمون‌های مورد استفاده در این مطالعه براساس سطوح سنجش متغیرها گزینش شدند. به این ترتیب که برای فرضیه‌های پژوهش که متغیرهای آنها در سطح سنجش فاصله‌ای قرار داشتند، از ضریب همبستگی، برای فرضیه‌های با سطح سنجش متغیرهای اسمی دو بعدی - فاصله‌ای از آزمون تی دو گروه مستقل و برای فرضیه‌های با متغیرهای اسمی چندبعدی/ترتیبی - فاصله‌ای از تحلیل واریانس یک راه استفاده گردید.

نتایج حاصل از ویژگی‌های اقتصادی و جمعیتی متغیرها نشان می‌دهد که از کل جامعه آماری مورد مطالعه ۲۵ نفر (۸/۳ درصد) دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۵۹ نفر (۱۹/۷ درصد) دیپلم، ۱۴۹ نفر (۴۹/۷ درصد) فوق دیپلم و ۶۳ نفر (۲۱/۰ درصد) لیسانس و بالاتر داشتند. هم‌چنین ۴۷ نفر (۱۵/۷ درصد) از پاسخگویان شاغل و ۲۲۰ نفر (۷۳/۳ درصد) غیرشاغل می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد که ۲۳۲ نفر (۷۷/۳ درصد) از آنها مجرد و ۶۴ نفر (۲۱/۳ درصد) از آنها متأهل است. از طرفی ۱۰۸ نفر (۳۶/۰ درصد) در مراکز استانی، ۱۴۶ نفر (۴۸/۷ درصد) در شهرها، ۳۸ نفر (۱۲/۷ درصد) در روستا و ۵ نفر (۱/۷ درصد) نیز در میان عشایر زندگی می‌کنند. نتایج حاصل هم‌چنین نشان می‌دهد که ۱۶۳ نفر (۵۴/۳ درصد) در خانه‌های شخصی، ۶۱ نفر (۲۰/۳ درصد) در خانه‌های اجاره‌ای، ۷ نفر (۲/۳ درصد) از آنها در خانه‌های سازمانی و ۵۹ نفر (۱۹/۷ درصد) نیز در واحدهای آپارتمانی زندگی می‌کنند. هم‌چنین نتایج حاصل نشان می‌دهد که ۸۶ نفر (۲۸/۷ درصد) از زنان همراه مادران شان بیرون می‌روند، ۳۷ نفر (۱۲/۳ درصد) از آنها همراه برادر یا خواهر، ۱۰۲ نفر (۳۴/۰ درصد) همراه دوستان، ۲۳ نفر (۷/۷ درصد) به تنهایی و ۴۳ نفر (۱۴/۳ درصد) از آنها همراه همسران خود به بیرون از خانه می‌روند.

هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد منطقه بالا ۹۸ نفر (۳۲/۷ درصد)، منطقه میانی با ۶۴ نفر (۲۱/۳

درصد) و منطقه پایین با ۲۷ نفر (۹/۰۰ درصد) پاسخگویان را در خود توزیع نموده است. براساس نتایج حاصل میانگین سن پاسخگویان ۲۳/۳۳ سال است که تقریباً دامنه جوانی را از جمعیت نشان می‌دهد. به طور متوسط هر خانم در هفته ۴/۵ بار به خیابان می‌رود.

نتایج حاصل از متغیر وابسته و متغیرهای مستقل فاصله‌ای که با استفاده از طیف ۵ درجه‌ای لیکرت سنجش شده‌اند، در جدول شماره ۲ قابل ملاحظه است. براساس نتایج حاصل می‌توان گفت میانگین نمره مزاحمت برای پاسخگویان برابر ۴۸/۵۳ می‌باشد که این نمره در مقایسه با نمره میانگین مورد انتظار^۱ (۴۲) در سطح بالایی قرار دارد و می‌توان استنباط کرد که دامنه مزاحمت-های خیابانی براساس نتایج مذکور در شهر کرمانشاه در حد بالایی قرار دارد و این نشان می‌دهد که این پدیده به حالت یک مسأله اجتماعی در جامعه نمود پیدا کرده است و مطالعه و پژوهش در این راستا حائز اهمیت است.

متغیر دیگر میزان بی‌نظمی اجتماعی است که با استفاده از ۱۲ گویه در قالب طیف پنج درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج حاصل در مورد میزان بی‌نظمی اجتماعی نشان می‌دهد که میانگین نمره متغیر مذکور برابر ۲۵/۶۱ است. این میانگین در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۳۶) پایین‌تر است و نشان می‌دهد بی‌نظمی اجتماعی در جامعه نسبتاً کم بوده و نظم اجتماعی تا حدی از نظر پاسخگویان قابل پذیرش می‌باشد. متغیر دیگر میزان دینداری است که با استفاده از ۱۱ گویه در قالب طیف لیکرت سنجش گردیده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میانگین نمره این متغیر برابر ۳۶/۳۷ است که این میانگین در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۳۳) در حد نسبتاً بالایی قرار دارد و نشان از بالا بودن گرایش‌های دینی در میان افراد پاسخگو است. متغیر دیگر در این مجموعه میزان تأثیرگذاری دوستان است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میانگین نمره تأثیرگذاری دوستان در این مجموعه برابر ۲۲/۵۷ است که این نمره در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۲۱) در حد بالایی قرار دارد. همچنین نتایج حاصل نشان می‌دهد که میزان محرومیت نسبی با استفاده از ۷ گویه در قالب طیف لیکرت سنجش گردیده است و میانگین این متغیر (۲۷/۹۴) در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۲۱) در سطح بالایی قرار دارد.

^۱ میانگین مورد انتظار در این جا از ضرب تعداد گویه‌های مزاحمت خیابانی (در این جا ۱۴ گویه است) در عدد ۳ (حد متوسط نمره پاسخگو) به دست می‌آید بنابراین در این پژوهش میانگین مورد انتظار برابر ۴۲ است.

جدول شماره ۲ توزیع میانگین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	تعداد گویه	میانگین مورد انتظار
بی نظمی اجتماعی	۲۵/۶۱	۹/۹۶	۱۲	۵۴	۱۲	۳۶
میزان دینداری	۳۶/۳۷	۸/۳۸	۱۲	۵۵	۱۱	۳۳
تأثیرگذاری دوستان	۲۲/۵۷	۳/۵۰	۱۰	۳۵	۷	۲۱
محرومیت نسبی	۲۷/۹۴	۱۰/۰۶	۷	۴۹	۷	۲۱
مزاحمت خیابانی	۴۸/۵۳	۲۲/۶۱	۲۸	۶۵	۱۴	۴۲

جدول شماره ۳ میانگین رتبه‌های ابعاد مختلف مزاحمت‌های خیابانی با استفاده از آزمون رتبه‌ای فریدمن انجام شده است. از آنجا که نتایج این آزمون براساس مقدار کای اسکوتر تفسیر می‌شود، بنابراین نتایج حاصل نشان می‌دهد که مقدار کای اسکوتر برابر ۲۱۷/۸۶۵ است که در سطح حداقل ۹۵ درصد قابل قبول می‌باشد و می‌توان ادعا کرد که میانگین رتبه‌های ابعاد چهارگانه مزاحمت‌های خیابانی با هم تفاوت معناداری دارند. میانگین رتبه بعد لمسی برابر ۲/۰۳، بعد بصری برابر ۳/۴۵، بعد تعقیبی برابر ۲/۱۴ و بعد کلامی برابر ۲/۳۷ است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین رتبه مزاحمت بصری از سایر ابعاد مزاحمت‌های خیابانی بیش‌تر است.

جدول شماره ۳ آزمون فریدمن برای مقایسه میانگین رتبه‌های ابعاد مزاحمت‌های خیابانی

ابعاد مزاحمت خیابانی	میانگین رتبه	مقدار X^2	معناداری	ضریب کندال	معناداری
لمسی	۲/۰۳				
بصری	۳/۴۵	۲۱۷/۸۶۵	۰/۰۰۰	۰/۲۶۶	۰/۰۰۰
تعقیبی	۲/۱۴				
کلامی	۲/۳۷				

فرضیه: بین میزان بی نظمی اجتماعی، محرومیت نسبی، گرایش‌های دینی، تأثیر دوستان و نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴ نتایج تحلیل همبستگی بین میزان بی نظمی اجتماعی، محرومیت نسبی، گرایش‌های دینی، تأثیر دوستان و نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی

متغیر وابسته	نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	همبستگی	معناداری
بی نظمی اجتماعی	۲۵/۶۱	۹/۹۶	۰/۱۶۲	۰/۰۱۲	
میزان دینداری	۳۶/۳۷	۸/۳۸	-۰/۲۰۲	۰/۰۰۱	
تأثیرگذاری دوستان	۲۲/۵۷	۳/۵۰	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰	
میزان محرومیت نسبی	۲۷/۹۴	۱۰/۰۶	۰/۲۳۸	۰/۰۰۰	

جدول شماره ۴ آزمون ضریب همبستگی بین میزان بی‌نظمی اجتماعی، محرومیت نسبی، گرایش-های دینی، تأثیر دوستان و نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی را نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میزان بی‌نظمی اجتماعی ($r=0/162$)، میزان دینداری ($r=-0/202$)، میزان تأثیرگذاری دوستان ($r=0/235$) و میزان محرومیت نسبی ($r=0/238$) با میزان مزاحمت‌های خیابانی در ارتباط معناداری قرار دارند. می‌توان گفت متغیرهای مذکور در سطح ۹۵ درصد قابل قبول هستند.

فرضیه: نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی افراد بر حسب محل تولد تفاوت معناداری دارد.

جدول شماره ۵- نتایج تأثیر محل تولد بر مزاحمت خیابانی براساس آزمون تحلیل واریانس

نام و ابعاد متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	معناداری
مرکز استان	۹۷	۴۴/۵۳	۸/۱۹		
محل تولد					
شهر	۱۳۶	۴۲/۷۲	۷/۲۰	۱/۱۴۶	۰/۳۳
روستا	۳۴	۴۴/۰۰	۷/۵۷		
عشایر	۴	۴۲/۷۵	۷/۴۵		

جدول شماره ۵ آزمون تفاوت نمره میانگین میزان مزاحمت‌های خیابانی را بر حسب محل تولد افراد نمونه نشان می‌دهد. با توجه به آمارهای موجود در این جدول، میانگین نمره میزان مزاحمت-های خیابانی در محیط‌های مختلف تولد با هم تفاوت زیادی ندارد به طوری که این تفاوت مشاهده شده جزئی بر اساس آزمون F و سطح معنی داری ($Sig=0/000$) در سطح حداقل ۰/۹۵ معنی دار نمی‌باشند.

فرضیه: همراه داشتن در خیابان برای زنان و پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد بر نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی تأثیر معناداری دارد.

جدول شماره ۶ تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی و رفتن به خیابان با همراه بر مزاحمت خیابانی براساس آزمون تحلیل واریانس

نام و ابعاد متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	معناداری
با مادر	۱۲۸	۳۸/۰۰	۷/۰۵		
با چه کسی به خیابان می‌روید؟					
برادر یا خواهر	۵۷	۴۲/۱۹	۸/۷۹		
با دوستان	۱۷	۴۲/۳۵	۴/۶۵	۴/۷۷	۰/۰۰۱
به تنهایی	۵۱	۵۲/۰۰	۷/۰۲		
با همسر	۱۱	۴۶/۲۴	۳/۲۷		
پایگاه اقتصادی اجتماعی					
منطقه بالای شهر	۸۹	۵۰/۷۶	۷/۰۴		
منطقه میانی شهر	۱۴۷	۴۴/۷۹	۷/۷۵	۲/۹۹	۰/۰۳۶
منطقه پایین شهر	۵۴	۳۸/۱۰	۴/۰۲		

جدول شماره ۶ آزمون تفاوت نمره میانگین میزان مزاحمت‌های خیابانی را بر حسب پایگاه اقتصادی اجتماعی و این سؤال که "با چه کسی به خیابان می‌روید؟" را نشان می‌دهد. با توجه به آمارهای موجود در این جدول، میانگین نمره میزان مزاحمت‌های خیابانی در گروه‌های مختلف با هم تفاوت معناداری دارند به طوری که این تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون F و سطح معنی داری ($Sig=0/000$) در سطح حداقل $0/95$ معنی دار می‌باشند.

فرضیه: نگرش زنان به مزاحمت‌های خیابانی افراد بر حسب وضعیت تأهل تفاوت معناداری دارد.

جدول شماره ۷ تأثیر وضعیت تأهل بر روی مزاحمت‌های خیابانی بر اساس آزمون تی دو گروه

نام متغیر		فراوانی	میانگین	انحراف معیار	آزمون لیون	معناداری آزمون تی	معناداری
وضعیت تأهل	مجرد	۲۱۳	۴۷/۸۴	۷/۵۸	۳/۰۲۶	۵/۷۱	۰/۰۰۰
	متأهل	۵۶	۴۳/۰۳	۷/۶۰			

جدول ۷ آزمون تفاوت نمره میانگین میزان مزاحمت‌های خیابانی بر حسب وضعیت تأهل افراد نمونه را نشان می‌دهد. با توجه به آمارهای موجود در این جدول، میانگین نمره مجردها و متأهلین در این فرضیه با هم تفاوت دارد به طوری که میانگین این نمره برای افراد مجرد و متأهل به ترتیب $(47/84)$ و $(43/03)$ می‌باشد و این تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون T و سطح معنی داری ($Sig=0/000$) در سطح حداقل $0/95$ معنی دار است. به عبارتی می‌توان گفت که میانگین نمره میزان مزاحمت‌های خیابانی بین افراد مجرد بیش‌تر از افراد و زنان متأهل است.

در این پژوهش از آماره رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام برای آزمون میزان تأثیرگذاری همه متغیرهای مستقل بر میزان مزاحمت خیابانی استفاده گردید.

جدول شماره ۸ رگرسیون چندمتغیره برای پیش بینی میزان مزاحمت‌های خیابانی

گام	متغیر وارد شده	B	Beta	T	Sig.T
اول	میزان محرومیت نسبی	۰/۴۱۵	۰/۳۶۴	۷/۱۱	۰/۰۰۰
دوم	تأثیرگذاری دوستان	۰/۳۰۹	۰/۲۷۲	۴/۷۸	۰/۰۰۰
سوم	میزان دینداری	-۰/۲۰۹	-۰/۱۹۹	-۳/۸۲	۰/۰۰۰
چهارم	بی نظمی اجتماعی	۰/۲۰۲	۰/۱۶۸	۳/۰۱	۰/۰۰۰

$R = .578$ $R^2 = .334$ Method= Stepwise Constant= 3.645
 Durbin-Watson= 2.07 F= 43.44 Sig= 0.000

بررسی نتایج آماری مندرج در جدول ۸ نشان می‌دهد که با سطح معناداری حداقل 95 درصد،

معادله رگرسیونی متغیر مزاحمت خیابانی، با ورود متغیرهای میزان محرومیت نسبی، میزان تأثیرگذاری دوستان، میزان دینداری، میزان بی‌نظمی اجتماعی به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. متغیر اول میزان محرومیت نسبی

وارد معادله رگرسیونی است. ضریب بتای این متغیر ($Beta=0/364$) نیز بیانگر رابطه مثبت بین متغیر میزان محرومیت نسبی و میزان مزاحمت‌های خیابانی است. در مرحله بعد، تأثیرگذاری دوستان وارد معادله شد. در این حالت، ضریب بتا ($Beta=0/272$) نشان دهنده رابطه مثبت بین این متغیر با متغیر وابسته است. در مرحله سوم، متغیر میزان دینداری وارد معادله شده است. ضریب بتای این متغیر ($Beta=-0/199$) بیانگر رابطه منفی بین متغیر یاد شده با متغیر وابسته است. در مرحله چهارم، با ورود متغیر بی‌نظمی اجتماعی، ضریب بتا برابر ($Beta=0/168$) نشان دهنده رابطه مثبت این متغیر با متغیر میزان مزاحمت‌های خیابانی است. این چهار متغیر روی هم رفته توانسته‌اند مقدار $0/58$ از تغییرات مربوط به متغیر میزان مزاحمت‌های خیابانی را تبیین نمایند.

آمارهای تشخیص برای شناسایی داده‌های پرت و سایر آمارهای مرتبط با ضریب رگرسیون آمده است. علاوه بر رعایت پیش فرض‌هایی در مورد توزیع متغیرها در رگرسیون، باید دقت کرد که نمرات پرت^۱ عمداً یا سهواً در نمونه وارد شده باشند. تک تک متغیرها ممکن است به نظر پرت نباشند ولی ترکیب بعضی از آنها در دو یا چند متغیر ممکن است ترکیب ناموزون و نامعلولی بدست دهد. به این گونه نمرات، نمرات پرت می‌گویند. در این تحقیق پرت بودن داده‌ها را از لحاظ فاصله و نفوذ بررسی نموده ایم. شاخص‌های فاصله مانده هر داده با Resid و مانده استودنت شده^۲ یا Rstudent اندازه‌گیری شده‌اند و شاخص نفوذ در این تحقیق با استفاده از D کوک^۳ محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین فاصله مانده برابر $0/067$ است که نشان دهنده این واقعیت است که میانگین فاصله‌ها از خط رگرسیون زیاد نیست و رگرسیون توزیع نرمالی دارد. به عبارتی در نمونه‌ای که مورد مطالعه قرار گرفته است. پراکندگی Yها در حول Xها متناظر خود توزیع نرمال است. تنها $0/067$ از موارد و مقادیری که دارای خطای استاندارد تعدیل شده از خط رگرسیون فاصله دارند. از طرفی D کوک میانگین مقادیر را در فاصله $0/04$ بر روی آن نشان می‌دهد. از آن جا که مقدار کوک از ۱ فاصله زیاد دارد لذا نمی‌توان پراکندگی در داده‌ها را زیاد برآورد کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

متلک‌پرانی، ول‌گردی، تنه‌زنی و اعمال غیراخلاقی در مجامع عمومی و هتک حرمت به نوامیس مردم از مصادیق مزاحمت‌های خیابانی می‌باشند. روزانه در مراکز غیرتفریحی مانند خیابان‌ها، فروشگاه‌ها و مراکز خرید، برخی جوانان به‌صورت گروهی و بدون هیچ‌گونه برنامه و هدفی، دائم در حال تلف کردن اوقات خود می‌باشند. طبیعی است که در این حالت باید منتظر رفتارهای ناهنجاری

¹ - Outliers

² - Studentized residual str

³ - Cook's D

چون مزاحمت‌های خیابانی نیز باشیم. در حالی که مزاحمت‌های خیابانی به بوق زدن و ایستادن خودروها خلاصه نمی‌شود و تنه زدن و گاه رفتارهای غیراخلاقی را در بر می‌گیرد آثار سوئی بر زنان و دختران عابر دارد. این گونه رفتارهای ناپه‌نجان در جامعه باعث می‌شود تا زنان و دختران تنها هنگام حرکت در شهر، احساس امنیت نکنند و همین امر یکی از عواملی است که باعث سختگیری خانواده‌ها می‌شود. شاید عده‌ای تصور کنند که متلک گویی یک فرد آسیب‌چندانی به مخاطب وارد نمی‌کنند. اما سخنان ناشایست بعضی افراد مزاحم تا مدت‌ها در ذهن مخاطب باقی می‌ماند و باعث بروز رفتارهای عصبی در شخص می‌شود. مشکلی که اگر شدت یابد رفع آن چندان هم آسان نیست و منجر به جامعه‌گریزی زنان و دختران می‌شود و این پدیده زمینه مشکلات بزرگتری را در دو نوع برخورد می‌داند: یکی برخورد مقطعی و فوری که مسلماً نتیجه دلخواه را نخواهد داشت و دیگر برخوردهای علت‌زدایانه که نیاز به برنامه‌ریزی و انجام مطالعات کارشناسی و وضع قوانین بازدارند دارد.

نتایج حاصل از این پژوهش به صورت زیر خلاصه می‌گردد:

براساس نتایج حاصل می‌توان گفت میانگین نمره مزاحمت برای پاسخگویان برابر $48/53$ می‌باشد که این نمره در مقایسه با نمره میانگین مورد انتظار (42) در سطح بالایی قرار دارد و می‌توان استنباط کرد که دامنه مزاحمت‌های خیابانی براساس نتایج مذکور در شهر کرمانشاه در حد بالایی قرار دارد. نتایج نشان می‌دهد که میانگین رتبه مزاحمت بصری از سایر ابعاد مزاحمت‌های خیابانی بیش‌تر است. این نتیجه با مطالعات لهستانی زاده (1389) همسو می‌باشد.

محرومیت نسبی افراد: یکی از عوامل مرتبط با مزاحمت‌های خیابانی، محرومیت نسبی افراد است. محرومیت نسبی و ناکامی‌ها و مسائلی که از جانب محیط فرهنگی و اجتماعی شخص در سر راه فرد قرار می‌گیرند، باعث می‌شود راه‌های گمراه‌کننده و منحرفی برای کاهش فشار جنسی و احساس ارضای حاصل از آن به وجود آید.

میزان دینداری: یکی دیگر از عوامل مرتبط با مزاحمت‌های خیابانی، دینداری است. آموزش‌های تربیتی و مذهبی نه به عنوان عوامل سرکوب‌کننده نیازهای جوانان، بلکه به عنوان هدایت‌کننده و آرامش‌بخش روانی می‌تواند در تعادل رفتاری ایشان مؤثر واقع گردد. افرادی که برای دیگران مزاحمت ایجاد می‌کنند، معمولاً افرادی هستند که در کودکی دچار سرخوردگی شده‌اند، در واقع اغلب آنان دچار بی‌هویتی هستند. این افراد در مدارس از نظر اخلاقی در جایگاه خوبی قرار ندارند و به معلمین بی‌احترامی می‌کنند و متخاصم هستند و در بین دوستانشان جسورترین فرد هستند. برای این افراد قانون معنایی ندارد و به راحتی به حقوق دیگران تجاوز می‌کنند و تفریح خود را آزار و اذیت دیگران می‌دانند. این افراد خصوصیات شخصیتی نمایشی دارند زیرا در مجامع عمومی پذیرش اجتماعی ندارند و با انجام این اعمال به نوعی ارضا می‌شوند. زنانی که در خانواده‌هایی با

تربیت قرآنی و دینی پرورش یافته‌اند بسیار کمتر در جامعه در معرض مزاحمت خیابانی قرار می‌گیرند. لذا آموزش‌های تربیتی و اخلاقی و دینی نه به عنوان عوامل سرکوب کننده نیازهای جوانان بلکه به عنوان هدایت کننده و آرامش دهنده روان، می‌تواند در تعادل رفتاری ایشان، چه زن و چه مرد، موثر واقع شود و از نرخ رشد این معضل بکاهد.

تأثیرگذاری دوستان: در کنار این مسائل، محیط اجتماعی نیز در مزاحمت‌های خیابانی نقش مؤثری دارند. یکی از این عوامل دوستان است که به نوعی در بروز انحرافات جنسی مؤثر است. اوضاع نامطلوب و نابسامانی‌های دوستی به خصوص بی‌ثباتی و مختل بودن وضع دوستی‌ها که زندگی ماشینی و کارگری و اقتصاد صنعتی به دنبال آورده است. نقش دوستان و همسالان نیز در مزاحمت‌های خیابانی مهم است. یکی از نیازهای نوجوانان و جوانان، وابستگی و تعلق به دیگران است. این نیاز در فرآیند اشباع، فرد را به همانندسازی سوق می‌دهد. بخشی از این نیاز، توسط گروه دوستان و همسالان تأمین می‌گردد، بدین نحو که آنها از یکسو تحت تأثیر غریزه جنسی و از سوی دیگر تجربه آزار خیابانی، دوست خود را در یک فضای پر هجیان، جذاب و شاد به سوی بزهکارهای جنسی از جمله مزاحمت‌های خیابانی می‌کشانند.

از دیگر عوامل مرتبط با میزان مزاحمت‌های خیابانی، وجود بی‌نظمی در جامعه است. گاه برخی زنان که در خیابان، پارک، محیط آموزشی و مجامع عمومی دیگر مورد تعرض و آزار قرار می‌گیرند، به دلیل برخی مسائل فرهنگی، از جمله ترس از آبرو و حیثیت خود، آن را کتمان کرده و به اطلاع خانواده و مراجع قضایی نمی‌رسانند.

پیشنهادهای راه کارها

۱- با توجه به این که یکی از عوامل مرتبط با مزاحمت‌های خیابانی، وجود بی‌نظمی اجتماعی در جامعه است، بنابراین نیروی انتظامی می‌تواند با بسیج عمومی، بسیج همگانی، زنده کرده غیرت و حمیت اسلامی که ریشه‌ای عمیق در تاریخ و فرهنگ مسلمانان دارد تا حد زیادی در این راستا تأثیرگذار باشد. علاوه بر قوانین مربوط به حدود و دیات که درصدد ایجاد نظام و کنترل اجتماعی است، در بخش تعزیرات هم قانون‌گذار در ماده ۶۱۹ قوانین مجازات اسلامی، مجازات مربوط به مزاحمت خیابانی را تا ۷۴ ضربه شلاق و دو تا شش ماه حبس تعزیری تعیین کرده است. در برخی موارد هنگام برخورد مردم با مزاحمین خیابانی حرکات ناشایست و گستاخانه نظیر بکارگیری الفاظ رکیک، زشت، درگیری فیزیکی ایجاد می‌شود که ضروری است زمینه نهبی از منکر از سوی حکومت به طور قانونی فراهم شود تا دفاع از حریم جامعه به همراه حفاظت از حقوق شهروندان، سیستم قضائی را کارآمدتر کند. محروم کردن فرد مزاحم از حقوق اجتماعی، به تناسب نوع مزاحمت‌های خیابانی توسط وی، می‌تواند ضمن اجرای مجازات، در پیشگیری از وقوع موارد مشابه در جامعه مؤثر باشد.

- ۲- دینداری هم می‌تواند به صورت معکوس بر میزان مزاحمت‌های خیابانی تأثیر بگذارد. بنابراین ضروری است برای تغییر نگرش افراد مزاحم و بزهکار، باید ماهیت زشت عمل و پیامدهای مختلف خانوادگی، هویتی و دینی در قالب هنر ارائه شود. در مورد زنان بزه‌دیده باید اطلاعاتی درباره خطرات رفتارهای انفعالی و پذیرش مزاحمت، پیامدهای عدم اطلاع به خانواده و مراکز قانونی و شیوه‌های نجات ارائه شود. تغییر نگرش مردم باید درباره قباحت این رفتار، وظیفه عمومی جامعه در حراست محیط از آلودگی‌های اخلاقی و ضرورت فریضه امر به معروف و نهی از منکر باشد. نگرش مردم در مورد دختری که امداد می‌جوید، باید تغییر کند و او را باید زن مسلمان بی‌پناهی بدانند که از مردم استمداد می‌جوید. رعایت توصیه‌های دینی درباره زنان می‌تواند حریم نسبتاً امنی را در اختیار زن قرار دهد تا بتواند آزادانه در اجتماع حضور یابد و به فعالیت‌های اجتماعی خود بپردازد. بنابراین، برخورد اجتماعی یا پلیسی به این افراد می‌تواند یکی از راهکارهای جلوگیری از شیوع این بیماری در طبقه‌ای خاص شود.
- ۳- نظارت خانواده بر رفتار فرزندان: نظارت خانواده بر رفتار جوانان و کنترل مشفقانه آنها می‌تواند مسیر درست زندگی را به جوانان نشان دهد. ابراز مهر و عطف و پرکردن فضای خالی تعلقات جوانان به وسیله مهرورزی و شخصیت دادن به فرزندان، کنترل گرایش‌های جنسی دختر و پسر رهیزو آموزش آداب و سنن در رفتار با جنس مخالف، می‌تواند پیشگیری خوبی را به عمل آورد.
- ۴- پ از دوستی با افراد ناشناس و عدم مجالست با افراد و خانواده‌های بی بند و بار.
- ۵- رعایت احتیاط در استفاده از وسایل نقلیه، (در فرض مشکوک بودن در حد امکان از سوار شدن پرهیز شود)
- ۶- اطلاع خانواده و مراکز قضایی در صورت بروز آزارهای جنسی.
- ۷- توجه والدین به رعایت اصول اخلاقی و پوشش اسلامی.
- ۸- آموزش رعایت حجاب در داخل خانواده و مراعات اصول شرعی در برابر اعضای خانه و فامیل‌های نزدیک و دور.
- ۹- نرفتن به مکان‌هایی که محل حضور و تردد اشخاص مزاحم است.
- ۱۰- سوار نشدن در ماشین‌های مسافرکش شخصی و استفاده از وسایل نقلیه عمومی و تاکسی تلفنی بانوان.
- ۱۱- تنها نبودن هنگام تردد در مناطق خلوت در روز یا عدم عبور از مکان‌های تاریک و کم رفت و آمد در شب.
- ۱۲- گرم نگرفتن در صحبت و برخورد با اشخاص نامحرم، تا موجبات دلگرمی طرف مقابل برای مزاحمت‌های بعدی فراهم نشود.

References

- Allport, G. W & Ross, M. J. Jr. (1967). "Personal Religious Orientation and Prejudice". *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 5, pp. 432-443.
- Abazari. Y., Sadeghi-Fasaei. S. and Hamidi, N. (2009). Insecurity in women's experience of everyday life, *Femail Research*, Vol. 6, No. 1, pp. 75-103. (Persian).
- Adamian, M., AzimiHashemi. M. and Sanatisharifi. N. (2013). The sociological analysis of women's clothing style, *Journal of women and society*, Vol. 3, No. 4, pp. 161-186. (Persian).
- Ahmadi, M. and Kaldi, A. (2013). The survey of social security and social factors affecting women in Sanandaj, *Journal of women and society*, Vol. 3, No. 4, pp. 1-20. (Persian).
- Alvani. S. M. and Danaeifard. H. (2006). *Order in chaos theory and management*, Tehran, Publishing of Arasbaran. (Persian).
- Bowman, C. G. (1993). "Street harassment and the informal ghettoization of women", *Harvard Law Review*, Vol. 106, No. 3, pp. 517-580.
- Chalabi, M. (1996), "*sociology of order: the explanation and interpretation of social order*", Tehran: NashreNai. (Persian).
- Drew, P. E. (2004), Iran. In R.T. Francouer and R.J. Noonan (Eds.), the *Continuum Complete: International Encyclopedia of Sexuality*. The Kinsey Institute.
- Fairchild, K. M. & L. A. Rudman (2008), "Everyday stranger harassment and women's objectification". *Soc Just Rec*, 21, pp.338-357. New York: Spring Science + Business Media.
- Fairchild, K. M. & L. A. Rudman (2008). "Everyday stranger harassment and women's objectification". *Soc Just Res*, 21, pp. 338-357.
- Fairchild, K. M. (2007), *Everyday stranger harassment: Frequency and consequences*. A Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, New Brunswick University of New Jersey.
- Gardner, C. B. (1995), *passing by: Gender and public harassment*. Berkley, CA: University of California Press.
- Garrosi. S. (2006). Assess the impact of beliefs format based on gender inequality: The Case of Kerman and its surrounding villages, M.S Thesis, unpublished, Shiraz University. (Persian).
- Giddens, A. (1999). *Modernity and Self- Identity: Self and Society in the Late Modern Age*. Trans: Naser Movafaghian, Tehran: Pub nei.
- Giddens, A. (2002), *sociology*, Trans: Manocher Sabouri, Nashrnai, vol 7. (Persian).

- Bourdieu, P. (2002), "*Rational choice theory and practical reasons for action*", Trans: Mardiha, M. Tehran: Naghsh&neghar. [Persian]
- Guarr, T. (2000). *Why do people revolt?* Translator Ali MORSHEDI birth, Tehran, Research Institute for Strategic Studies. (Persian).
- Iman. M. T., Yosefi. E. and Hoseinzadeh, M. (2012), Women, harassment and response: Review the experience of female students on the harassment street and respond to it, *Journal of Sociology Iran, Vol. 12, No. 3, pp. 63-93.* (Persian).
- Kalantari. M., Ghezalbash. S. and HojiMalayeri. P. (2010). Spatial analysis and mapping urban crime Zanzan geographic information system using GIS (Case study: street crime interferes), *Quarterly geographical landscape of the Zagros, Vol. 1, No. 2, pp. 133-147.*
- Kamran, F. and EbatatiNazarlo, S. (2009), "the survey of economical social factors on peace feeling and social safety of woman: M.A. Students sociology in Tehran University", *Social research magazine, 3 rd year, No 6.* (Persian).
- Kearl, Holly (2011), *Street harassment of women: It's a bigger problem than you think.*
- Ketabi. M. (2005). Religion, social capital and socio-cultural development, *Journal of Isfahan University, Vol. 17, No. 2, pp. 169-192.* (Persian).
- Lahsaeizadeh, A. &Yousefinejad, E. (2011). "Social aspects of women's experiences of sexual harassment in public places inIran". *Sexuality and CultureVol. 14, No. 1, pp. 169-192.*
- Lahsaeizadeh. A. A. and Yosefi. E. (2011). The relationship between gender norms accepted and experienced street harassment: A case study of female students of Shiraz University, *Journal of Sociology reconciliation in Ashtian, Vol. 5, No. 2, pp. 129-143.* (Persian).
- Lenton, R., M. D. Smith, J. Fox & N. Morra (1999), "Sexual harassment in public: Experiences of Canadian women". *CRSA/RCSA, 36/4pp: 517-540.*
- MacMillan, R., A. Nierobisz& S. Welsh (2000), "Experiencing the streets: Harassment and perception of safety among women"*Journal of Research in Crime and Delinquency, 37, pp: 306-322.*
- Moeidfar. S. and Hamidi. N. (2008). Female-headed households, did not damage social pathology, *Journal of Social Science, Vol. 2, No. 32, pp. 131-158.* (Persian).
- News Agency World News. (2007). Step increase of street harassment, SID.ir

- <http://jahannews.com/vdcbasb8arhboggp.uiur.html>. (Persian).
- Parish, W. L., A. Das & E. O. Laumann (2006). "Sexual harassment of women in urban China", *Arch Sex Behave*, Vol. 2, No. 35, pp. 411-425.
- Sahabi, J., Faizi. A. and Samadi. B. J. J. (2010). The effect of social factors on social security in Sanandaj, *Bulletin of Social Sciences*, Vol. 3, No. 3, pp. 155-182. (Persian).
- Samani. S. and Folad Chang. M. (2007). *Psychology of Adolescence*, Shiraz: Publication MalekSoliman. (Persian).
- Sigal, J. & H. Jacobsen (1999), "A cross-cultural exploration of factors affecting reactions to sexual harassment: Attitudes and policies". *Psychology, Public policy, and Law*, Vol. 5, No. 3, pp. 760-785.
- Sigal, J. & H. Jacobsen (1999). "A cross-cultural exploration of factors affecting reactions to sexual harassment: Attitudes and policies". *Psychology, Public Policy and Law*, Vol. 5, No. 3, pp. 760-785.
- Yamawaki, Niwako (2007) Rape Perception and the Function of Ambivalent Sexism and Gender-Role Traditionalist, *Journal of Interpersonal Violence*, Vol. 22, No. 4, 406-423.
- Zokaei. S. (2006). *Sexual harassment of women in different environments*, Archives of the National Youth Organization Tehran. (Persian).

Archive SID